

## خط مشی سوسیالیسم کارگری پس از خیزش دیماه ۹۶

خیزش توده ای دیماه ۹۶ به دو دهه سیطره گفتمان اصلاح طلبی بر فضای سیاسی ایران پایان داد و چهل سال بعد از انقلاب بهمن، مجدداً افق انقلاب را در ایران نمایان ساخت. از زاویه منفعت کارگران و مردم آزادیخواه ایران سؤال اساسی بر سر ماهیت نظام جایگزین با نظام سرمایه داری رژیم اسلامی است.

مطابق تجربه انقلاب ۵۷ تنها دو راه در مقابل کارگران و مردم ایران قرار دارد: یا نیروهای سیاسی مدافع صاحبان سرمایه و صنایع، مستقل از نامی که بر خود دارند، موفق میشوند علت تمام بلایایی که مردم در این چهل سال متحمل شده اند را تحت عناوینی مانند "ناسازگاری ذاتی اقتصاد مدرن با دولت پیشامدرن اسلامی"، حاکمیت اسلام معرفی کنند تا نظام جانشین یک مدل حکومت سرمایه داری از نوع سکولار و لائیک گردد و مانند انقلاب ۵۷ کارگران بازندگانی اصلی این تحولات شوند. و یا اینکه جنبش کارگری با تشکلهای توده ای و حزبی خود بعنوان یک نیروی میلیونی مستقل وارد عرصه سیاسی میشود و با خواست "نان، کار، آزادی، حکومت کارگری" اکثریت مردم ایران را متحد می کند تا آزادی و رفاه مردم تضمین گردد.

سرنوشت کارگران و مردم ایران به مقابله این دو راه حل و دست بالا یافتن آلترناتیوهای هر یک از این دو گره خورده است. تقابل این دو راه حل، عرصه سیاسی ایران را قطبی می کند و درک مکان و اهمیت طبقاتی اختلاف این دو و سرنوشتی که هر یک برای مردم ایران رقم میزنند، حلقه اصلی فهم دینامیزم انقلاب ایران و آینده آن است.

کارکرد سرمایه داری ایران بر نیروی کار ارزان متکی است و چون قادر به تامین "نان" برای مردم ایران نیست لاجرم نیازمند رژیم است که "آزادی" بیان، اعتصاب، تجمع و تشکل کارگران و زحمتکشان برای کسب "نان" را سرکوب کند. هیچ نظام جایگزین رژیم اسلامی که بر حفظ و دفاع از منافع صاحبان سرمایه و صنایع متکی باشد، چه نوع سلطنتی و چه جمهوری سکولار و انسانی قادر نیستند مطالبات اقتصادی کارگران و توده دهها میلیونی مردم زحمتکش را برآورده کنند و همگی ناچارند آزادی های سیاسی را نیز سرکوب کنند. به این اعتبار تمام ملل تحت ستم در ایران، جنبشهای زنان، دانشجویی که مطالباتشان در نظامی که "نان و کار و آزادی" را تضمین کند، برآورده میشود، بطور عینی متحد جنبش کارگری در انقلاب علیه رژیم اسلامی هستند.

استراتژی سوسیالیست های کارگری برای برپایی نظامی که آزادی و رفاه مردم ایران را تضمین کند، مبارزه برای اتحاد جنبشهای زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی با جنبش طبقه کارگر حول "نان، کار، آزادی" بعنوان محور اتحاد و بسیج دهها میلیون مردم ایران برای انقلاب علیه رژیم حاکم و جایگزینی آن با "حکومت کارگری" است.

تحقق این استراتژی در گرو مبارزه برای رفع موانع ایجاد تشکلهای توده ای و حزبی طبقه کارگر برای ورود سراسری جنبش کارگری به عرصه مبارزات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است. و همچنین در گرو مبارزه برای کنار زدن موانع اتحاد و ایجاد تشکل جنبشهای زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی بمنظور تامین

رهبری کارگری سوسیالیستی بر این جنبشها و ترغیب و تشویق آنها به اتحاد با جنبش کارگری است. وجود حزب سیاسی کارگران در این شرایط بحرانی بسیار ضروری است و می تواند نقش تعیین کننده ای در آینده سیاسی ایران داشته باشد. ایجاد این حزب، یعنی حزبی که در عمل بتواند مبارزات طبقه کارگر را هدایت کند، در همین پروسه متحقق میشود. در شرایط کنونی تنها با این استراتژی است که سوسیالیسم کارگران امکان می یابد به یک پدیده توده ای و اجتماعی تبدیل گردد.

برای پیاده کردن استراتژی سوسیالیسم کارگری تحلیل و بررسی دائمی جنبش های کارگری، زنان، دانشجویی و رفع ستم ملی ضروری است تا موانع تشکل و اتحاد آنها مشخص و کنار زده شود.

**جنبش کارگری - شکل گیری یک قطب قدرتمند لیبرالیسم در سیاست ایران با هدف جایگزینی جمهوری اسلامی با یک رژیم سرمایه داری سکولار، تاکیدی است بر این امر که هر نوع تغییرات عمیق اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به نفع مردم ایران نیازمند حضور متشکل طبقه کارگر در مرکز سیاست ایران است. به این اعتبار وظیفه محوری سوسیالیسم کارگری به میدان آوردن طبقه کارگر است و وجود گرایش قدرتمند سوسیالیست جنبش کارگری نقطه قوت این طبقه برای به میدان آوردن کارگران بعنوان یک نیروی مدعی قدرت در جدال بر سر نظام جانشین جمهوری اسلامی است.**

در چهار دهه حاکمیت جمهوری اسلامی جنبش کارگری هیچگاه به اوضاع اقتصادی و سیاسی موجود تمکین نکرد و تسلیم نشد. اکنون نیز اعتراضات، تظاهرات و اعتصابات کارگری علیه کارفرماها و مقامات دولتی به روال عادی جامعه ایران تبدیل شده است. اما این اعتراضات کارگری متحد و یکپارچه نیست. محور سازمان یافتن مبارزات متحد و یکپارچه کارگری خواست واحد است. عمومی ترین خواست جنبش کارگری اضافه دستمزد است و سازماندهی اعتراضات و اعتصابات کارگری برای اضافه دستمزد پایه و اساس مبارزات متحد و یکپارچه جنبش کارگری است.

طبقه کارگر ایران فاقد تشکلهای توده ای سراسری است. ایجاد تشکلهای کارگری در محل کار و از این طریق پایه ریزی ایجاد تشکلهای کارگری در سطح شهر، منطقه و کشور عاجل ترین هدف جنبش کارگری است. تمام مبارزات کارگری دارای سازماندهی و رهبری است اما کارگران هنوز تناسب قوا بین خود و جمهوری اسلامی را در حدی نمی دانند که بتوانند همین رهبران فی الحال موجود اعتراضات و اعتصابات کارگری را در یک انتخابات بعنوان نمایندگان تشکل خود تعیین کنند. در همین راستا مبارزه متحد و یکپارچه برای اضافه دستمزد امکان عقب راندن رژیم اسلامی را فراهم می کند و با تغییر تناسب قوا شرایط را برای ایجاد تشکلهای کارگری مهیا میسازد.

جنبش کارگری دارای تشکلهای توده ای نظیر سندیکای واحد و سندیکای هفت تپه و همچنین تشکلهای فعالین کارگری نظیر کمیته هماهنگی است. تشکلهای علنی کارگری بمناسبت روز کارگر تا حدی که در جمهوری اسلامی مقدور بوده خواستههای عمومی خود را بیان کرده اند که نشانگر برخی از مشخصات جامعه مورد نظر کارگران است، از جمله آزادی بی قید و شرط تشکل و اعتراض و اعتصاب، آزادی بیان، احزاب و مطبوعات، لغو مجازات اعدام، آزادی زندانیان سیاسی، الغای کار کودکان، امکانات آموزش و بهداشت

یکسان و رایگان برای همه، تامین زندگی مرفه برای بازنشستگان، و لغو تمامی قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری آنها با مردان در تمام عرصه ها.

خیزش دیماه ۹۶ ایجاب میکند که جنبش کارگری از طرح این مطالبات فراتر رود و ضمن تکمیل این خواستها فعالیت برای سازماندهی نیروهای اجتماعی برای تحقق آنها را آغاز کند. این گام اولیه برای اتحاد جنبش کارگری با دیگر جنبشهای اجتماعی است. به ویژه اینکه در سالهای اخیر مطالبات اعتراضات معلمان و بازنشستگان با خواستهای جنبش کارگری منطبق شده و زمینه اتحاد بین آنها را نیز فراهم کرده است. در این راستا ادغام جنبش کارگری در جنبش جهانی کارگری و حمایت‌های بین المللی ناشی از آن، همچنین وجود فعالین جنبش کارگری ایران که چهره های شناخته شده ای در جنبش کارگری جهانی هستند، از نقاط قدرت جنبش کارگری است.

**جنبش زنان** - بدون حضور گسترده زنان هیچ انقلابی پیروز نخواهد شد. زنان در تمام جوامع سرمایه داری از دو ستم جنسی و طبقاتی رنج می برند. در ایران اما، این نظام طبقاتی با کمک اسلام ستم بر زنان را به نهایت رسانده و با خشونت از آن پاسداری میکند. بهبود جدی در وضعیت زنان به عمر جمهوری اسلامی گره خورده و لذا جنبش زنان ناگزیر از پیوستن به یک جنبش انقلابی برای سرنگونی رژیم حاکم است. بنابراین مسئله گرهی جنبش زنان انتخاب یکی از دو نیروی جایگزین با رژیم اسلامی است: جنبش زنان یا در کنار یک حرکت لیبرالی برای برپایی یک نظام سرمایه داری سکولار که ستم جنسی را تا حدی تعدیل می کند اما اساس آنرا در کنار ستم طبقاتی همچنان دست نخورده نگاه می دارد، قرار میگیرد و یا اینکه در کنار جنبش کارگری که جنبشی فقط مردانه نیست، برای جایگزینی نظام سیاسی مورد نظر طبقه کارگر مبارزه می کند که با تضمین آزادی و رفاه برای همه مردم ایران زنان را از تمام قید و بندهای نابرابری جنسی و طبقاتی رها میسازد.

در روز زن (هشتم مارس) امسال هر دو این جهت گیریها در اعتراضات زنان بخوبی نمایان بود. جریان متشکل از احزاب چپ و راست کوشیدند تا خواست زنان را به حجاب اجباری محدود کنند و حرکت دیگری که با فراخوان تظاهرات در مقابل وزارت کار علاوه بر لغو حجاب، خواستهای وسیعتر زنان در هر دو عرصه ستم جنسی و ستم طبقاتی را بیان کرد. گرایش سوسیالیست جنبش زنان و همچنین شاخه زنان جنبش کارگری در ایجاد تشکلهای رادیکال زنان که پیش شرط پیشروی کمی و کیفی جنبش زنان است و همچنین در تعیین سمت و سوی جنبش زنان نقش حیاتی دارند تا یک رهبری کارگری سوسیالیستی بر جنبش زنان تامین شود.

**جنبش دانشجویی** - جنبش دانشجویی ایران تا قبل از حمله خونبار اوباش اسلامی به رهبری بنی صدر در اردیبهشت ۱۳۵۹ به دانشگاهها، اساسا چپگرا و همواره بخشی از جنبش آزادیخواهانه مردم ایران علیه دیکتاتوری و استبداد بود. انقلاب فرهنگی، بستن دانشگاهها و حذف دهها هزار دانشجو و استاد غیر حکومتی، چپ و سوسیالیست همه جناحها و باندهای رژیم اسلامی (خودی و غیر خودی) را در جلوگیری از پاگیری مجدد هر حرکت دانشجویی چپ نظیر دانشجویان سوسیالیست و دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب (داب) متحد کرد. به این اعتبار قوه قضائیه در محروم کردن دانشجویان چپ و سوسیالیست از

تحصیل، در دستگیری و شکنجه و حبس های طولانی مدت آنها هرگز درنگ نکرده است. بسیج دانشجویی و دفتر تحکیم اگر چه با هم سر شاخ می شدند اما دست در دست هم هر صدای مخالف جمهوری اسلامی را در دانشگاهها خفه می کردند. اما با خیزش دیماه ۹۶ و پایان سیطره گفتمان اصلاح طلبی تشکل دانشجویی تحکیم وحدت نیز موقعیت سابق خود را از دست داده و میرود تا جنبش دانشجویی به جنبش انقلابی مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی بپیوندد.

اکنون تشکلهای صنفی دانشجویی اگر چه یک دست نیستند می کوشند اعتراضات دانشجویی را سازماندهی و هدایت کنند. برای نظام جایگزین با جمهوری اسلامی اهمیت دارد که جنبش دانشجویی اساسا در کنار آلترناتیو لیبرالها که یک سرمایه داری سکولار است می ایستد یا در کنار آلترناتیو جنبش کارگری برای نابودی نظام سرمایه داری. هیچ یک از خواستههای جنبش دانشجویی از جمله در زمینه آزادی های سیاسی و اجتماعی، اداره دمکراتیک دانشگاهها و یا خواست آموزش همگانی و رایگان در نظام آلترناتیو لیبرالها که می کوشند تا در بهترین حالت دست اسلام را از زندگی سیاسی و اجتماعی مردم کوتاه کنند اما نظام طبقاتی فعلی را حفظ کنند، متحقق نمی شود.

آلترناتیو لیبرالی و جمهوری سکولار که احزاب متعدد آنرا عرضه می کنند بر یک اقتصاد نئولیبرالی متکی بر نیروی کار ارزان بنا میشود که در مرکز آن خصوصی سازی های وسیع است. از جمله تحویل آموزش و پرورش از ابتدایی تا دانشگاه به بخش خصوصی که نتیجه اش پولی کردن آموزش و محروم شدن فرزندان طبقه کارگر و زحمتکشان از تحصیل خواهد بود.

در تلاش برای جهتگیری جنبش دانشجویی علیه آلترناتیو لیبرالی، سوسیالیستهای کارگری جنبش دانشجویی وظایف خطیری بعهده دارند. جنبش دانشجویی ایران تاریحا نقش مهمی در جدلهای نظری بین گرایشهای متفاوت سیاسی و طبقاتی جامعه داشته اند. در مقابله نظری با لیبرالیسم که اسلام و نه نظام سرمایه داری را عامل فقر و فلاکت و اختناق معرفی میکنند، فعالین دانشجویی سوسیالیست نقش اساسی دارند. کمک به گسترش تشکلهای توده ای دانشجویی، کمک جنبش دانشجویی به ایجاد تحرک برای ساختن تشکلهای توده ای کارگری، سوق دادن جنبش دانشجویی به سوی اتحاد با جنبش کارگری از جمله تکالیف مهم سوسیالیستهای کارگری در جنبش دانشجویی است که در بهترین حالت از طریق تامین یک رهبری کارگری سوسیالیستی بر جنبش دانشجویی متحقق میشود.

**راه حل کارگری رفع ستم ملی در کردستان - تا قبل از پایان جنگ سرد جنبش مردم کردستان برای رفع ستم ملی در ایران و دیگر کشورهای منطقه متحد عینی جنبش کارگری علیه رژیمهای دیکتاتوری بود اما اکنون چنین نیست.** هر دو حزب ناسیونالیسم کرد در عراق (حزب دمکرات و اتحادیه میهنی) خدمتگذار اهداف امپریالیستی آمریکا در عراق شدند. یک نظام سراپا فاسد بر پا کردند و سهم مردم کردستان عراق که دیگر زیر ستم ملی نبودند شد فقر و فلاکت و بی حقوقی. پ.ک.ک در اسلامی شدن ترکیه متحد حزب عدالت و توسعه بود. اسلامی ها با کنار زدن جریانات لائیک و سکولار و تحکیم قدرت خود، پاداش پ.ک.ک را با حمله به مردم کردستان ترکیه دادند و رهبران احزاب کرد که حتی بعضا نماینده مجلس بودند را دستگیر و به زندان انداختند. کردهای سوریه که در کوبانی در مقابل داعش قهرمانانه ایستادند، خود را در کنار و

نیازمند کمک‌های تسلیحاتی، آموزشی و مالی آمریکا یافتند و امروز ثمره تمام چند سال مبارزات و جانفشانی‌های قهرمانانه اشان به تصمیم آمریکا در معامله با ترکیه، روسیه و سوریه گره خورده است.

با جلوگیری دولت اقلیم کرد عراق از هر نوع فعالیت نظامی احزاب در کردستان ایران و سپس با تغییرات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در کردستان، راهکار ناسیونالیسم کرد که بر مبارزه نظامی پیشمرگان و مذاکره با دولت مرکزی متکی بود، کارایی خود را از دست داد. حزب دموکرات کردستان ایران چاره را در رابطه با آمریکا و قرار گرفتن در متن سیاست‌های آنها دید. بعداً سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران نیز به همین راه رفت و بقیه نیز. با انتخاب ترامپ اینبار یک ائتلاف شش‌گانه نا امید از هر نوع مبارزه مردم ایران علیه رژیم اسلامی به حرکت آمریکا علیه جمهوری اسلامی در منطقه پیوستند.

در همه این سالها که هر نوع مبارزه نظامی در کردستان ایران پایان یافته تنها جنبش کارگری یک حرکت رو به جلو و پویا داشته است. جنبش کارگری کردستان ایران که زیر سایه مبارزه نظامی برای رفع ستم ملی محو شده بود با از دست رفتن مناطق آزاد و افت مبارزه مسلحانه به تحرک در آمد. در سنجیدگی اتحادیه صنعتگر را ساخت. سه سال متوالی (۶۶ و ۶۷ و ۶۸) مراسم روز کارگر را با شکوه برگزار کرد. آدمکشان جمهوری اسلامی جمال چراغ ویسی سخنران روز کارگر سال ۶۸ را دستگیر کردند، شکنجه دادند و کشتند و جنبش کارگری کردستان دارای جانباخته شد و رو پای خود با سر افرازی ایستاد.

با روز کارگر سقز در سال ۸۳ حرکت مستقل کارگری در کردستان با جنبش کارگری سراسری در هم تنیده شد و فراتر از آن نقش تعیین کننده ای در ادغام جنبش کارگری ایران در جنبش کارگری جهانی ایفا کرد. جنبش کارگری کردستان که طی دو دهه از زیر سایه مبارزه نظامی برای رفع ستم ملی بیرون آمده بود، هنگامی که احزاب کردستان ایران در سال ۹۲ ابتکار پ.ک.ک برای تشکل‌کنگره ملی کرد را خروج از بن بست استراتژیک خود می دیدند با انتشار یک بیانیه با امضای پانزده نفر از فعالین جنبش کارگری راه حل کارگری رفع ستم ملی را ارائه داد. راه حلی متکی بر یک جنبش شهری که در مرکز آن جنبش کارگری است در اتحاد با همه جنبش‌های اجتماعی دیگر در کردستان نظیر زنان و دانشجویی و با حمایت جنبش کارگری سراسری.

مردم ایران حکم به رفتن جمهوری اسلامی داده اند و اکنون مسئله نظام جایگزین مردم ایران را بر سر دو راهی قرار داده است: کوتاه کردن دست اسلام از زندگی سیاسی و اجتماعی مردم ایران، بازسازی سرمایه داری ایران و راه تدوام نابرابری و بردگی مزدی تحت نام یک جمهوری سکولار و یا راه تغییرات بنیادی در اقتصاد و سیاست ایران، راه تضمین آزادی و رفاه برای مردم با "نان، کار، آزادی، حکومت کارگری".

**سرنگون باد جمهوری اسلامی**

**زنده باد سوسیالیسم**

**نان، کار، آزادی، حکومت کارگری**

شورای مرکزی اتحاد سوسیالیستی کارگری

۲۰ خرداد ۹۷ - ۱۰ ژوئن ۲۰۱۸